

عفاف در رفتار

دین مبین اسلام، به عنوان آیین جامع و کامل خداوند متعال، در حمایت از شخصیت انسانی و معنوی زن و در جهت حفظ عفت عمومی، دستورهای حکیمانه ای مبتنی بر لزوم رعایت عفت و حیا در ابعاد گوناگون صادر نموده است. «البته عفاف مخصوص زنان نیست و مردان نیز باید عقیف باشند و لیکن چون مردان به دلیل داشتن قدرت جسمانی و برتری جسمانی این توانایی را دارند که به زن ظلم کنند و بر خلاف میل او رفتار نمایند، از این رو اسلام بر روی عفت زن تأکید بیشتری نموده است.»^۱

قرآن یکی از ویژگی های مؤمنان راستین را، عفاف و پاکدامنی می داند و می فرماید: «والذین هم لفروجهم حافظون» «آنان [مؤمنان] کسانی هستند که دامن خویش را از بی عفتی حفظ می کنند.» (مؤمنون ۵)^۲

در فضیلت عفاف روایات بسیاری آمده از جمله:

«افضل العباده العفاف.»؛ برترین عبادت، عفت است.

«العقه رأس کلّ خیر.»؛ عفت، در رأس همه خوبی ها است.

«العقه افضل الفتوه.»؛ عفت، برترین جوانمردی است.

«العقه افضل شیمه.»؛ عفت برترین خصلت است.

«العفاف یصون النفس و ینزّهاها عن الدنایا.»؛ عفت نفس را مصون و آن را از پستی ها دور نگه می دارد.

«العفاف زهاده.»؛ عفت پارسایی است.^۳

با دقت در آیات و روایات درمی یابیم عفت به معنی مناعت و آن حالت نفسانی است که [انسان را] از غلبه شهوت بازدارد.^۴ و هم چنین به معنی پارسایی و پرهیزکاری و بازداشتن از حرام است.^۵

به طور کلی، عفت را می توان یک صفت انسانی و ملکه نفسانی و زینت باطنی دانست که موجب می شود تمام اعمال و حرکات و گفتار و پوشش انسان، عقیفانه و فاقد رذیلت های شهوانی و هوس مآبانه باشد.^۶

عفاف از یک سو به عنوان یک مسأله اصلی و بنیادین و فراتر از حجاب و پوشش مطرح است و از سوی دیگر، رابطه تنگاتنگی با آن دارد؛ چرا که به عنوان یک خصلت و ارزش اختیاری، پوشش را به ارمغان می آورد. به طور کلی، می توان حجاب را میوه و ثمره عفاف دانست. گفتنی است، شرم، حیا و اشتیاق به عفاف و پاکدامنی، یک تدبیر نهفته در خلقت و فطرت زن است که او را وادار می سازد به طور ناخودآگاه، خود را از چشم نامحرم ببوشاند. به عبارت دیگر، گرایش زن به حفظ عفت خویش، از احساس فطری و الهام غریزی وی نشأت می گیرد. از این رو، قرآن کریم که کتاب انسان شناسی و روانشناسی است و مطابق با فطرت آدمی، نیازهای او را تشریح می کند.

جلوه های عفاف زنان را این گونه بیان می فرماید:

(۱) عفت در گفتار

در آیه ۲۳ سوره احزاب درباره وظایف زنان در لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم می فرماید: (فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا)؛ «پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند».

خضوع در اینجا به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند تا مردان بیمار دل را دچار ریه و خیال های شیطانی کنند و شهوت آنها را برانگیزانند منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت باز می دارد.

و (قولا معروفا) یعنی سخن معمولی و مستقیمی بگویند که به دور از کرشمه و ناز باشد و شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده دارد. ۷.

این آیه اشاره به کیفیت و محتوای سخن گفتن و حرمت صحبت کردن با ناز و عشوه دارد و صحبت کردن با نامحرم باید عفیفاً و به دور از نرمش و خضوع و خودنمایی باشد. همچنین براجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیرضروری و شهوت انگیز تأکید دارد و متذکر می گردد در صورت عدم رعایت این امر ممکن است در اثر نمایش جاذبه های زنانه و سخنان هوس آلوده، افرادی که از سلامت روحی و روانی و اعتدال نفسانی - که در اثر ضعف یا فقدان ایمان می باشد - برخوردار نباشند به فکر گناه و فحشا بیفتند و امنیت جامعه را به خطر بیندازند.